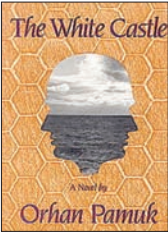


کارنامه اورهان پاموک

داستان یک شهر

قلعه سفید



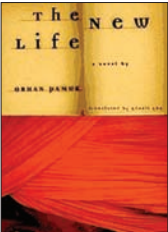
در قرن هفدهم میلادی یک ملوان جوان ایتالیایی توسط ارتش عثمانی اسیر و به عنوان برده به استانبول منتقل می‌شود. محافظان ترک متوجه دانش مرد اروپایی در زمینه‌های مختلف علمی می‌شوند. آوازه دانش او در محافل اشراف می‌پیچد و او به خانه مرد ثروتمندی به نام پاشا راه می‌یابد. سپس به بارگاه سلطان دعوت می‌شود که برای جنگ با اروپایی‌ها خیال ساخت اسلحه آتش را را در سر دارد. پاموک از اولین رمان خود به مضمون تقابل و مواجهه غرب و شرق می‌پردازد. استانبول صحنه نمایش این تقابل است. روایت رمان خطی است و پاموک در پیشبرد داستان دست از پا خلا نمی‌کند و از بازی‌های روایی‌اش به سبک بورخس و کالوینو در «قلعه سفید» اثری نیست، با این حال فضای کلی رمان و تأکید نویسنده بر وضعیت دانش، فرهنگ و تمدن (تقریباً مثل یک کتاب آموزشی به زبان ساده) در مشرق‌زمین و مقایسه آن با غرب مقدمه‌ای است بر اثر بزرگ این نویسنده. ارسال فصیحی این رمان را به فارسی ترجمه کرده و نشر ققنوس در ایران منتشر کرده است.

کتاب سیاه



ایبن رمان شبیه‌ترین اثر پاموک به آثار نویسندگان پست‌مدرن آمریکایی است؛ یک نوار پیچیده، مبهم و تردیدآمیز. رویا همسر یک وکیل اهل استانبول به نام گالیپ یک روز به طرز مرموزی ناپدید می‌شود. گالیپ در تمام شهر او را جست‌وجو می‌کند. به سراغ برادر ناتنی رویا به نام سالان می‌رود که در روزنامه ملیت نویسنده ستون معروفی است. اما سالان هم ناپدید شده. گالیپ به خانه سلال نقل مکان می‌کند، لباس‌های او را می‌پوشد و سعی می‌کند رفتارهایش را شبیه او کند. کم‌کم حتی نوشتن ستون او در روزنامه را هم برعهده می‌گیرد. نوشتن این ستون‌ها با تماس‌های تلفنی مشکوکی همراه است. سرانجام گالیپ با سالان و رویا روبه‌رو می‌شود اما در این صحنه گلوله‌های شلیک می‌شود و قربانیانی برجا می‌ماند. در فصل پایانی رمان در یک چرخش پست‌مدرنیستی نویسنده حضور خود در رمان را اعلام می‌کند. پاموک در این رمان بر مضمون هویت معطوف است؛ مضمونی که در دیگر آثار پاموک زمینه‌ای تاریخی پیدا می‌کند. در این اثر به زندگی روشنفکران و حال و هوای استانبول مدرن پرداخته شده است.

زندگی نو



نزدیک می‌شود. یک دانشجوی مهندسی در استانبول به طور اتفاقی کتابی پیدا می‌کند که مسیر زندگی او را به کل دگرگون می‌کند. او دانشگاه را رها می‌کند و با دختر زیبایی به نام خانان در سفری همراه می‌شود که مرزهای خیال و واقعیت در آن شکسته شده. پاموک یک تریلر روشنفکرانه را با رمانس پیوند می‌زند. جاده‌های کوهستانی ترکیه، کافه‌های بین راه، اتوبوس‌های شهری و ویلاهای پولدارهای رموز لوکیشن «زندگی نو» هستند. این رمان با ترجمه ارسال فصیحی در ایران منتشر شد اما ظاهراً ایرانی‌ها که از نوبل گرفتن نویسنده همسایه دل خوشی نداشتند توجهی به آن نشان ندادند، هرچند سطح آن آشکارا از تجربه‌های مشابه نویسندگان ایرانی بالاتر است.

نام من سرخ



کرد. پاموک نمی‌تواند کتمان کند که رمانش واجد خصلت اگروتیک بودن برای غربی‌هاست اما از طرف دیگر کلام نویسنده آسیایی/ شرقی را می‌شناسیم که بتواند ساختاری پیچیده متشکل از ده‌ها راوی، یک معمای پلیسی، اطلاعات سودمند و ابتدایی در مورد نقاشی مینیاتور و تفاوت آن با هنر غربی، مجموعه‌ای از جالب‌ترین حکایت‌های شفاهی و تاریخ‌های غیررسمی هنر نگارگری را در یک رمان ۷۰۰ صفحه‌ای به نحوی سامان دهد که زمین‌گذاشتن کتاب برای خواننده سخت باشد. داستان در قرن شانزدهم روی می‌دهد. کارا بعد از یک سفر ۱۲ ساله در ایران و سرزمین‌های اطراف به استانبول بازمی‌گردد. نگارگران امپراتوری عثمانی مسئول نگارگری کتابی متاثر از نقاشی غربی هستند. بعضی از نیروهای بنیادگرا (واقعاً همین اسم را می‌شود رویشان گذاشت. پاموک تئوفتری گروه‌های بنیادگرا در قبال هنر را به قرن شانزدهم برده است) سعی می‌کنند جلوی خلق این کتاب را بگیرند. صحنه‌های بسیاری از نسخه فارسی حذف شده است. مترجم عین‌الله غریب لحن یکسانی (چیزی شبیه حرف زدن تهرانی معاصر) را برای ترجمه راوی‌های متعدد کتاب در نظر گرفته است. بسا این همه خواندن همین نسخه موجود از کتاب هم بدون لطف نیست.

حذفیات زمان، همانند حذفیات در رایانه، به واقع

از صفحه روزگار زوده‌نشده‌اند. متخصص رایانه آنچه

را که به جبر صفحه کلید زائل

شده، بازیابی می‌کند. به این

منوال، زمان رفته نیز هیچ‌گاه

می‌لغزند: شکست، گاه قرن‌ها،

دست بر دست می‌گذارد، به

انتظار بختی یار برای بر تن

کردن رخت پیروزی. آفریقای

جنوبی برای چندمین بار به

پا خاست و بدل به جمهوری

شد.

پروست، حاذق‌ترین استاد

ادبیات در بازیابی محذوفات

خاطر افراد بود. اما اورهان

پاموک رمان‌نویس ترک‌تبار،

که دخل و تصرفات غامض و

پیچیده او از گذشته به حال

با پروست مقایسه می‌شود، در

کار خاطرات یک ملت و یک

فرهنگ است.

کمال آتاتورک، تمامی

آثار و نشانه‌های امپراتوری

عثمانی را از میان برده؛

امپراتوری‌ای که در برهه‌ای قدرقدرتانه و سالیان آزار، ۶۰۰ سال به تزلزل حکمفرما بود. او فرمان غربگرایی را صادر کرد. اسلام محدود شد، کلاه فینه و نقاب از رواج افتاد، الغای انباشته فحیم فارسی و عربی در زبان ترکی تا به آنجا پیشرفت که امروزه ترک‌زبانان به سختی از پس خواندن اشعاری برمی‌آیند که قدمت‌شان فقط به یک قرن می‌رسد.

پاموک، که اکنون دهه چهل‌م عمر را سپری می‌کند، به عنوان نویسنده‌ای غربگرا آغاز به کار کرد، با این تفاوت که آثار او در برابر بیداد و فساد وارثان آتاتورک قدرافراشتند. او ادبیات آمریکا و اروپا را بلعید، در کارگاه نویسندگی ایوا تحصیلات خود را به پایان رساند و تلفیقی به روز از اسلوب مدرنیسم و پسامدرنیسم را شیوه کار خود برگزید. پاموک راقم رکود و عقب‌ماندگی‌ای است که دوران ۸۰ ساله مدرن‌سازی نه‌فقط آن را از میان نبرد، که تأثیرش پس ناچیز بر گستره فراخ جغرافیا و جامعه ترک بر جای گذاشت.

وی نظریه‌پرداز، سیاستمدار یا روزنامه‌نگار نیست، رمان‌نویس است؛ رمان‌نویسی بزرگ. مشغله او تقبیح حقیقت نیست. سپردن روح به چنگال حقیقت است؛ همچنان که شخص واسط به تسخیر ارواح درمی‌آید. حقیقتی که روح وی را به تسخیر خود درمی‌آورد، جد و جهد ترکیه در زدودن ماترک دولت عثمانی از ریشه‌های ملته ترکیه است. این رویه نه‌تنها آنچه را که متحجرانه، که حتی آنچه را که هنوز خیره‌سرانه زنده و شایدار از:شمن‌داست،نیز نشانه‌می‌رود.

عدم تقبیح حقیقتی که روح آدمی را به تسخیر درمی‌آورد، به معنای ستایش آن نیست. مساله، سخن گفتن از میان آواهای منقطع واسط است؛ انقطاعی جان‌گداز و در مورد پاموک، گنج‌کننده و نیز نفس‌گیر.

سه رمان نامتجانش پیشین او در غرب به چاپ رسیده و تحسین نقادان را برانگیخته، اما اقبال عام نیافته‌اند.

رمان جدید پاموک «نام من سرخ» پرشکوهِ‌ترین و حیرتانگیزترین عرصه رقابت در ستیز مابین شرق و غرب است که در درون آثار پاموک اتفاق می‌یافتد، ترجمه گیرا و روان این رمان در غرب، اثر ارداگ است. داستان رمان، در روزگار سلطنت سلطان مورات سوم، در اواخر قرن ۱۶، به وقوع می‌پیوندد. سلطان

ادبیات جهان

نقد نیویورک تایمز بر رمان «نام من سرخ» نوشته اورهان پاموک

مینیاتور در پرسپکتیو اروپایی

ترجمه: نصیر اسدی



مورات حامی مینیاتوربست‌هایی است که هنرشان

در گذار ۱۰۰ سال پیشین از ایران به ترکیه رسیده است؛ مهدی که اعتماد عثمانی‌ها به امپراتوری مهار ناکردنی‌شان زیر لوای قدرت غرب – از شکست لپانتو چند سالی پیش نمی‌گذشت- و نیز جانمندی این فرهنگ ودفنریب‌اش سلب‌شده‌است.

داستان، به اجمال، روایت دو قتل در بارگاه

مورات است؛ یکی قتل‌الجنت استاد مینیاتور و دیگری قتل انیشته، که حیلۀ گرانه شخصیتی

پیچیده را از خود به نمایش می‌گذارد. وی از

سوی سلطان ماموریت یافته

کتابی را به دست چهار تن از

حاذق‌ترین هنرمندان خود پدید

آورد. الجنت نیز یکی از این

هنرمندان است. کتاب، رازی

مگوست. هنرمندان مینیاتور نیز

۸۰ ساله مدرن‌سازی نه‌فقط آن را از میان نبرد، که

تأثیرش پس ناچیز بر گستره فراخ جغرافیا و جامعه

ترک بر جای گذاشت.

سوی سلطان ماموریت یافته

کتابی را به دست چهار تن از

حاذق‌ترین هنرمندان خود پدید

آورد. الجنت نیز یکی از این

هنرمندان است. کتاب، رازی

مگوست. هنرمندان مینیاتور نیز

۸۰ ساله مدرن‌سازی نه‌فقط آن را از میان نبرد، که

تأثیرش پس ناچیز بر گستره فراخ جغرافیا و جامعه

ترک بر جای گذاشت.

سوی سلطان ماموریت یافته

کتابی را به دست چهار تن از

حاذق‌ترین هنرمندان خود پدید

آورد. الجنت نیز یکی از این

هنرمندان است. کتاب، رازی

مگوست. هنرمندان مینیاتور نیز

۸۰ ساله مدرن‌سازی نه‌فقط آن را از میان نبرد، که

تأثیرش پس ناچیز بر گستره فراخ جغرافیا و جامعه

ترک بر جای گذاشت.

سوی سلطان ماموریت یافته

کتابی را به دست چهار تن از

حاذق‌ترین هنرمندان خود پدید

آورد. الجنت نیز یکی از این

هنرمندان است. کتاب، رازی

مگوست. هنرمندان مینیاتور نیز

۸۰ ساله مدرن‌سازی نه‌فقط آن را از میان نبرد، که

تأثیرش پس ناچیز بر گستره فراخ جغرافیا و جامعه

ترک بر جای گذاشت.

سوی سلطان ماموریت یافته

کتابی را به دست چهار تن از

حاذق‌ترین هنرمندان خود پدید

آورد. الجنت نیز یکی از این

هنرمندان است. کتاب، رازی

مگوست. هنرمندان مینیاتور نیز

۸۰ ساله مدرن‌سازی نه‌فقط آن را از میان نبرد، که

تأثیرش پس ناچیز بر گستره فراخ جغرافیا و جامعه

ترک بر جای گذاشت.

سوی سلطان ماموریت یافته

کتابی را به دست چهار تن از

حاذق‌ترین هنرمندان خود پدید

آورد. الجنت نیز یکی از این

هنرمندان است. کتاب، رازی

مگوست. هنرمندان مینیاتور نیز

۸۰ ساله مدرن‌سازی نه‌فقط آن را از میان نبرد، که

تأثیرش پس ناچیز بر گستره فراخ جغرافیا و جامعه

ترک بر جای گذاشت.

سوی سلطان ماموریت یافته

کتابی را به دست چهار تن از

در شمار آثار هنری قرار می‌گیرند.

از یک سو تصویرسازی را منع می‌کردند. اگر هم

از در مخالفت با مینیاتور برنمی‌آمد، از این رو بود

که مینیاتور جنبه عام داشت. زینت متون و مکمل

آنها بود. تصویر صرف افراد و اشیا، بدون پوششی از

الفاظ، وضعی تمثال گونه به آنها می‌بخشید. بدتر از

این، معرفی پرسپکتیو بود. آنچه آتش اعتراض را

تیز تر می‌کرد این باور بود که مردم و اشیا «بنا به

اهمیت‌شان به تصویر در نمی‌آیند، بلکه تصویرشان

آن گونه است که در برابر چشم غیرمسلح ظاهر

می‌شوند.»

پاموک، محافظه‌کارانه،

این گونه سنت‌های خشک را به

تصویر می‌کشد. به تحقیق، کار

دست او مجالی برای خشم باقی

نمی‌گذارد. به‌رغم جنگ سردی

که از سوی پاموک به مدد

حربه‌های بدیع در هر دو جبهه

در تداوم است، وی در جایی

دیگر، مشفقانه به پالودن فحواي

آن خشک سنن دست می‌یازد،

و این به واقع، در برابر سنت

پرشسگر غرب از جایگاه هنر،

سر برمی‌کشد. آیا این امر، خالق

نظم یا بی‌نظمی است خاص

خود؟ یا به کشف، و خدمت

به نظم (یا بی‌نظمی است) بس بزرگ‌تر و بیکرانه

دست یازیده و آن را عرضه می‌دارد؟ از دلنشین‌ترین

عبارات این کتاب سراسر نغز، گفتمان استاد عثمان،

بزرگ مینیاتوربست‌ها و سننگرای کله‌شق رازآلود

است. گفتمان استاد قربانی نیز بسا گفتمان ریلکه

دارد. او به طنازی، مینیاتوری کلاسیک را مجسم

ساخته که داستان خسرو و شیرین، دو دلداه را

به تصویر می‌کشد.

«گویی که دو دلداه بایستی تا به ابد در اینجای

بیتوته کنند. در میان روشنایی ساطع از بافت و

پوسته نقاشی، از الوان دلآویزی که مینیاتوربست‌ها

دلفریبانه به کار بسته‌اند. می‌بینید که چگونه

رخ‌هاشان اندک چرخشی به سوی هم دارد، حال آنکه

نیمی از کالبدشان به سوی ما متمایل است – چه

نیک می‌دانند که جزئی از یک نقاشی‌اند و بر ما

هویدا. از این‌رو بر آن نیستند

تا شباهتی صرف یابند به

نگاره‌هایی که در هر گوشه

به نظاره‌شان نشست‌ایم.

تفاسیر گبرای «شرقی»

دیگری نیز در باب مفهوم

هنر وجود دارد. در این گونه

تفاسیر، نقاشی برخاسته

از خاطر است و مقدر.

کوری شرطی است آرمانی

در آفرینش هنر ناب،

رها از وسوسه‌گری‌ها و

پرشان‌خاطری‌های برخاسته

از مولفه‌های حسی. اما، «نام

من سرخ» تنها رمانی از افکار

بکر نیست. شرقی یا غربی،

خیر یا شر، افکار به هنگام

پا نهادن بر سطحی انسانی،

سر به غلبان گذاشته و از

آز آدمیان و خشونت لگام

برمی‌گیرند

روایان داستان جمعی

از شخصیت‌ها هستند، هر

چندی نیز سگی، درختی،

سکهای طلا، یک چند جسد

کج‌خلق و رنگ سرخ آتشین («نام من سرخ») لب به

سخن می‌گشاید. داستان به تفحص در مورد جنایات

حادث می‌پردازد؛ به سه استاد مینیاتوری که یکی از

آنها قاتل است و با این حال زنده از چنگال الجنت

می‌گریزند، به مذاقه‌های دراز‌مدت (و گاه بی‌حد و

حصر) استاد عثمان در باب مینیاتورهای کلاسیک

پارسی در کتابخانه سلطان. و نیز به رخدادها،

صحنه‌ها و بسا اصحاب نقش که در دوران گذاری

پرتش به هر سو پریشانند.

نایب مقتول انیشته، جانگدانه سر در پی دختر وی،

سکور، می‌گذارد. سکور زیباترین پرتره در کتاب است؛

به دست نامدنی، متلون، پررمز و راز و بس فریبنده،

نه یک پرتره، که در حقیقت، مینیاتوری است پارسی.

نیمی از اندامش به سوی ما چرخیده، گویی پارهای

از یک نقاشی است و نه اندامی از گوشت و خون.

این سیاه است؛ سیاه پریشان‌احوال. پرچوش

و خروش و گه‌گاه پوچ، که از گوشت و خون است،

ازدواج این دو، پیوند مینیاتور ساده است با پرسپکتیو

رسانس، پیوندی تا به ابد دور از فهم و لاینحل، پیوند

نقش مصنوع و پرتره بالذات، پیوند هنر شرق و غرب.

به طور خلاصه، و هر خلاصه جلوه‌ای نو

درمی‌افکند. افکار بکر کتاب «نام من سرخ»، پرک

خیال است و طریق جان‌افزایی. این افکار بکر،

انسجام‌بخش روایت پویای رمانند که گاه کارگر

می‌افتند و گاه حضور هزیمت می‌شوند. و به طریقی،

اما نه به تمامی، شکست، پیروزی پاموک است. اگر

داستان، در بی روایت فتنه‌انگیزی‌های تیره‌تر رژیم

عثمانی، فرمانروایی‌اش به خفا، دروغ، توطئه و آشوب،

به زبانی صریح برمی‌آمد، رانستیخ جلوه نمی‌کرد.

خواننده داستان، سردرگم و تیربخت وامی‌ماند در

بی‌اعتمادی‌ای که بازتابی است از سوزهاش؛ جهانی

مه‌گرفته.سبکباری و طربناکی متناقض متن، کلام